بيداري اسلامي و وحدت جهان اسلام؛ استاد مطهري

بيداري اسلامي و وحدت جهان اسلام؛ استاد مطهري

محمد رضا رحمت خواه

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات جهان

چكيده

در بسياري از كشورها موج بيداري اسلامي ايجاد گشته و روبه رشد مي باشد كه اين بيداري نشات گرفته از انقلاب اسلامي ايران و تلاش هاي خستگي ناپذير افرادي همچون استاد مطهري مي باشد. شهيد مطهري كه خود دغدغه اسلام ناب و اصيل را داشت، اسلام را مهمترين عامل بيداري و جنبش عليه ستم مي دانست. اين پژوهش نيز بر اساس روشي تحليلي-توصيفي و بهره جستن از كتب مكتوب و اسنادهاي غير مكتوب به بررسي نقش و جايگاه استاد شهيد مطهري در بيداري اسلامي كشورهاي مسلمان پرداخته است. نتايج بيانگر آن بوده كه ايشان عامل اصلي بيداري اسلامي و همچنين احساس هويت و ايستادگي در برابر دشمنان و مستكبرين را بازگشت به خويشتن دانسته و اعتقاد داشتند كه بايد روح ايمان همراه با عمل و بازگشت

به اصالت خويشتن و روح اسلام در آحاد جامعه ايجاد شده و زمانيكه چنين امري فراهم گرديد آنوقت جنبش و حركت نيز در سرتاسر جامعه و جهان ايجاد خواهد شد. ايشان همچنين راز حيات و عامل اصلي ايجاد بيداري اسلامي و همچنين مقاوم بودن را اتحاد و همبستگي بين مسلمين دانسته و در اين ميان بسيار سخن ها بيان نموده اند و زمانيكه مسلمين متحد شدند و يكدل و يكصدا گرديدند آن زمان مي توانند بر كليه كيدهاي دشمن غلبه كرده و موج بيداري را تلالو بخشند. همچنين استاد با بينشي روشن و آگاهانه صحنه آينده جهان مسلمين را پيش بيني نموده و بيان داشتند كه دنيا در آينده به خصوص در بلوک مسلمين شاهد موج بيداري اسلامي مي باشد كه اين بيداري نشات گرفته از انقلاب اسلامي مي باشد. البته بايد بيان داشت كه ايجاد انقلاب اسلامي و اين موج بيداري اسلامي حاصل تلاش ها و روشنگري هاي اين استاد فرزانه بوده است.

كلمات كليدي: اسلام، بيداري، انقلاب اسلامي، اتحاد، اصالت، شهيد مطهري.

مقدمه

در زمان ما به طور كلي در همه كشورهاي اسلامي نوعي بيداري و به خود آمدگي اسلامي پيدا شده است. ملل مسلمان با سرخوردگي از معيارها و مكتبهاي شرقي و غربي به جست و جوي هويت واقعي و اصيل خود برخاستهاند»(مطهري، 1367: ص57).

محيط اجتماع بشري با مجموع حوادث بزرگ و كوچكي كه در آن رخ مي دهد، چون دريايي پر از موج و جنبش و طوفان است. امواج اين دريا به تدريج رو به وسعت مي نهند و در برخورد با هم، يكديگر را مغلوب مي كنند. زنده ترين امواج اجتماعي، جنبشهاي ديني است كه از جوهر حيات و فطرت انسانها سرچشمه مي گيرد و لذا، از نيرويي عظيم و قدرت رشد و بالندگي برخوردار است. امواج بيداري اسلامي در منطقه خاورميانه كه با بانگ تكبير همراه شده، نمونه بارز اين جنبشها در برهه كنوني است. آنچه مسلم است، اين بيداري در ميان ملتها و كشورهاي اسلامي يک شبه رخ نداده، بلكه بسترهاي آن از قبل آماده شده است و عالمان و متفكران زيادي تمام هم و غم خود را در جهت استقلال ملتها و احياء تفكر ديني به كار برده اند.

استاد شهيد مرتضي مطهري از جمله متفكراني است كه جان خود را در مسير احياي دين اهدا كرد. او

تيزهوش، مسئله ياب و اهل بحث و تدبير بود و از همان ابتدا كه به كار ارشاد و تبليغ پرداخت، دغدغه احياي دين و عزت انسانها را داشت.

شهيد مطهري كه خود دغدغه اسلام ناب و اصيل را داشت، اسلام را مهمترين عامل بيداري و جنبش عليه ستم مي دانست و مي گفت : « اسلام را نبايد با اديانی كه همه محتوايشان چهارتا كلمه اندرز است مقايسه كرد. اسلام خود را در مقابل همه بدبختيهای اجتماع مسئول می‌داند ... اسلام آمده است تا جامعه تشكيل بدهد، آمده دولت و حكومت تشكيل بدهد، رسالتش اصلاح جهان است؛ چنين دينی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد»(مطهري، 1386، ج20: ص223).

شهيد مطهري تأكيد مي كرد كه به وجود آمدن بيداري امري عظيم است، اما عظيم تر از آن ماندگاري اين بيداري است(تسخيري، 1390). شهيد مطهري معتقد است كه غرب سال‌هاست كه در پي بي‌خبر نگهداشتن مردم است؛ حال روشنفكران مسلمان دو وظيفه بر عهده دارند؛ يكي شناخت صحيح اسلام به عنوان يك فلسفه اجتماعي و ديگري شناخت مقتضيات زمان و تفكيك واقعيت‌هاي ناشي از تكامل علم از پديده‌هاي انحرافي و عوامل فساد.

اسلام ديني پويا از ديدگاه استاد

استاد مطهري در كتاب «مقدمه اي بر جهان بيني اسلامي»، جوانه هاي نظام نيرومند و ناب اسلام را شكوفا مي سازد و آن را ديني زنده و مستقل معرفي مي كند كه حركت جامعه ها و انسانها را به سوي استقلال و آزادي سرعت مي بخشد. به گواهي تاريخ، آئين پاک اسلام به دليل همين ويژگي، قرن به قرن پيش رفته و بر عدد پيروانش افزوده شده است.

عامل ديگر بيداري از نگاه شهيد مطهري اعتقاد و بينشي است كه مردم را به حركت و نشاط و مبارزه در برابر استعمار و استكبار فرامي خواند و مشوق آنها براي برقراي عدالت و امنيت در جامعه است. اعتقادي كه دين و سياست را به هم پيوسته و مرتبط بداند، ذلت، وابستگي و زورگويي را زيبنده پيروان خود نمي داند. او مي گويد: « كار اساسی اين است كه مردم ايمان پيدا كنند كه مبارزه سياسی يک وظيفه شرعی و مذهبی است. تنها در اين صورت است كه تا رسيدن به هدف از پای نخواهند نشست»(مطهري، 1386، ج24: ص36). غرب - منظور تمام ابر قدرت‌هاست - از يک چيز وحشت دارد و آن بيداري خلق مسلمان است.

امواج زنده همانهاست كه از جوهر حياط سرچشمه مي گيرد. مسيرشان مسير حياط و جهتشان رقا و تكامل است. پاره اي از نهضتهاي فكري، علمي، اخلاقي و هنري از آن جهت جاويد مي مانند كه خود زنده اند و از نيروي مرموز حياط بهره مند ند. زنده ترين امواج اجتماعي، امواج و جنبشهاي ديني است. پيوند اين امواج و اين نهضتها با جوهر حياط و فطرت زندگي از هر چيز ديگر اصيلتر است. در هيچ حركت و هيچ موج ديگر اين اندازه نيروي حياط و قدرت رشد و بالندگي وجود ندارد(مطهري، 1385: ص24).

قرآن كريم خاصيت رشد و نمو جنبش اسلامي را چنين توصيف مي كند:

... و مثل آنها در انجيل مثل زراعتي است كه اول فقط سبزه نازكي از آن از زمين بر مي دمد، پس خداوند او را نيرومند مي سازد، آنگاه ستبر مي گردد، پس روي تنه خويش مي ايستد، رشد و نمو سريع و سبزي و خرمي اين زراعت موجب شگفتي همه كشاورزان مي شود، تا خداوند كافران و بدخواهان را به خشم آرد. (فتح/ 29).

تفكر بيداري اسلامي شهيد مطهري و ديگر بزرگان

بيداري اسلامي در همه جغرافياي ملل مسلمان و نفي ناسيوناليسم غيرمنطقي را از دل «مشغولي» هاي اصلي شهيد مطهري مي باشد. استاد همواره در بحث بيداري اسلامي از افرادي همچون كواكبي و سيدجمال «الدين اسدآبادي ياد مي كرد و با به كارگيري واژه ملت واحده اسلامي همواره نگران انديشه» هاي تفرقه «افكنانه بود(لاريجاني، 1391).

نقش تفكر شيهد مطهري در نگاهداري حركت بيداري اسلامي گسترده و نزديكي عجيب فكري ميان شهيد مطهري و شهيد صدر وجود دارد. به رغم اينكه اين دو شخصيت شايد با يكديگر ديدار هم نكرده بودند اما تقارب فكري عجيبي ميان آنها وجود داشت و آنها در تاريخهاي نزديك به هم به شهادت رسيدند(تسخيري، 1390).

امام نظريه اسلام سياسي را ارائه كرد اما استاد شهيد مطهري پردازش كننده آن بود. انديشه هاي استاد به اين معنا پرداخته است كه اسلام سياسي است و هيچ بن بستي در آن وجود ندارد. همچنين ختم رسول الهي و ختم اديان با دين اسلام نيز نشان دهنده اين است كه اسلام را بايد در تمام ابعاد زندگي بشري مورد توجه قرار داد(اسلامي، 1390).

شهيد مطهري كه اقبال را از طلايه‌داران بيداري اسلامي مي‌داند، در وصف او مي‌گويد: اين ناله اقبال لاهوري است كه چون نسيم سحري دل‌هاي خفته و وجدان‌هاي متفرق مسلمانان را بيدار مي‌كند و رسالت خدمت‌گزاري بيمنت خلق خدا و بشارت آزادي و آزادگي نوع بشر را به ياد آن‌ها مي‌آورد: اين غنچه خوابيده چون نرگس نگران خيز / كاشانه ما رفت به تاراج غمان خيز از ناله مرغ سحر، از بانگ اذان خيز / وز گرمي هنگامه آتش نفسان خيز از خواب گران، خواب گران، خواب گران‌خيز درياي تو درياست كه آسوده چو صحراست؟! / درياي تو درياست كه افزون نشد و كاست؟! بيگانه آشوب و نهنگ است چه درياست؟! / از سينه چاكش صفت موج روان خيز از خواب گران، خواب گران، خواب گران‌خيز فرياد از افرنگ و دلاويزي افرنگ / فرياد ز شيريني و پرويزي افرنگ عالم همه ويرانه ز چنگيزي افرنگ / معمار حرم، باز به تعمير جهان خيز از خواب گران، خواب گران، خواب گران‌خيز

همبستگي و اتحاد جوامع اسلامي راز حيات و بيداري اسلامي

استاد مطهري اتحاد و همبستگي جامعه را از علايم حيات جامعه مي‌داند و مي‌گويد: كليد بازگشت يكي از علائم حيات يک جامعه اين است كه همبستگي ميان افرادش بيشتر است. متلاشي شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از يكديگر خاصيت مردگي است. خاصيت زندگي يک اجتماع به همبستگي و پيوستگي بيشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است. حال آيا جامعه اسلامي امروز يک جامعه زنده است يا يک جامعه مرده؟ به اين دليل كه مسلمانان بيشتر به جان يكديگر مي‌افتند و بيشتر تلاششان صرف جنگ و دعوا با خودشان و اختلاف داخلي خودشان مي‌شود و در نتيجه دشمن زيرک استفاده مي‌كند، آن‌ها مرده هستند! چه تعبير رسايي وجود مبارک رسول اكرم (ص) دارد، مي‌فرمايد: مثل مردم با ايمان، آنهايي كه زنده به ايمان‌اند، آنهايي كه مصداق «يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اسْتَجِيبُواْ لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُم لِمَا يحْيِيكُمْ» هستند. مطهري (ره) معتقد است كه مثل مؤمين در همدلي، در دوست داشتن يكديگر، در عاطفه داشتن نسبت به يكديگر، در همدردي نسبت به يكديگر، در علاقه‌مند بودن به سرنوشت يكديگر، مثل پيكر زنده است كه اگر عضوي از آن بدرد آيد ساير اعضا با اين عضو همدردي مي‌كنند.

شهيد همواره بر اين نكته تاكيد داشت كه امت واحده اسلامي بايد با اتحاد و همدلي به مقابله با استعمار برخيزد(لاريجاني، 1391).

احساس شخصيت مهم ترين نكته در بيداري جامعه

براي حركت و پويايي و بيداري يک جامعه، مهمترين نكته اي كه شهيد مطهري بر آن تاكيد دارد، مساله

احساس شخصيت است. اگر ملّتي احساس شخصيت نكند، هيچگاه دست به قيام و انقلاب نخواهد زد. ايشان مي گويد: « از اين سرمايه بالاتر براى اجتماع وجود ندارد كه در خود احساس شخصيت و منش كند، براى خود ايده آل داشته باشد و نسبت به اجتماع هاى ديگر حس استغنا و بى نيازى كند. بالاترين سرمايه اين است كه يك اجتماع بداند براى خودش فلسفه مستقلى در زندگى دارد و به آن افتخار و مباهات كند. اساساً حفظ حماسه در اجتماع در اين است. واى به حال آن اجتماعى كه اين حس را از دست بدهد»(مطهري، 1386 ج17: ص16).

مسأله احساس شخصيت مسأله بسيار مهمى است. از اين سرمايه بالاتر براى اجتماع وجود ندارد كه در خودش احساس شخصيت و منش كند، براى خودش ايده آل داشته باشد و نسبت به اجتماعهاى ديگر حس استغنا و بىنيازى داشته باشد، يك اجتماع اينطور فكر كند كه خودش و براى خودش فلسفه مستقلّى در زندگى دارد و به آن فلسفه مستقلّ زندگى خودش افتخار و مباهات كند، و اساساً حفظ حماسه در اجتماع يعنى همين كه اجتماع از خودش فلسفهاى در زندگى داشته باشد و به آن فلسفه ايمان و اعتقاد داشته باشد و او را برتر و بهتر و بالاتر بداند و به آن ببالد. واى به حال آن اجتماعى كه اين حس را از دست بدهد! اين يك مرض اجتماعى است(همان، 53).

حيات ملت به اين است كه آن ملت شخصيتى را در خودش احساس كند. اى بسا ملتهاى عالِم كه شخصيت ندارند، واى بسا ملتهاى جاهل كه شخصيت خودشان را حفظ كردهاند. اگر الجزايريها بعد از صد و پنجاه سال مبارزه توانستند استعمار فرانسه را به زانو درآورند و به استقلال برسند، براى اين بود كه در آنها يك حماسه و يك احساس منش وجود داشت. اگر در آن طرف مشرق زمين، ملت ديگرى دارد با قويترين و ثروتمندترين ملتهاى جهان مبارزه مىكند، چرا مبارزه مىكند؟ آيا عدد يا ثروتش با آنها مبارزه مىكند؟ ابداً؛ احساس شخصيت و منش آن ملت مبارزه مىكند، مىگويد: من تو را به آقايى قبول ندارم، من يا بايد زنده باشم روى پاى خودم باشم و كسى بر من حكومت نكند و يا بايد نباشم(همان، 58).

«بعضى روحيهها فاقد حماسهاند و بعضى داراى حماسهاند، و گفتيم كه حماسه، نوعى احساس شخصيت است در مقابل ديگران افرادى هستند در دنيا عارى و خالى از حماسه؛ در خود، همه احساس حقارت و تبعيّت و شكست خوردگى مىكنند، هيچ فكر و عقيده قابل دفاعى در روح آنها وجود ندارد، اگر دفاع كند فقط از مال و جان خود دفاع مىكند، اما چيز ديگر قابل تعلّق و قابل دفاعى ندارد از وطن و قوميت و نژاد و زبان و دين و آئين و حريت و كرامت ذاتى»(همان، 636).

«بزرگترين هديهاى كه يك رهبر به ملتش مىتواند بدهد «ايمان به خود» است، يعنى آن ملت را به خودش

مؤمن کند. يك رهبر ممکن است هديه‌ای که به مردمش مـ‌دهد هديه مادی باشد، ممکن است هديه سياسی باشد، استقلال سياسی به ملت خودش بدهد. ممکن است ايمان به رهبر باشد يعنی ملت معتقد شود که رهبر ما رهبر خيلی بزرگی است. ولی اينها آنقدر مهم نيست که هديه‌ای که يك رهبر به ملتش مـ‌دهد اين باشد که اين ملت را به خودش مؤمن و معتقد کند که بگويد من نبايد زير بار دشمن بروم، زير بار استبداد بروم، زير بار استعمار بروم، من از خودم تاريخ دارم، از خودم فرهنگ دارم، من هيچ احتياجی ندارم که از غرب الگو بگيرم»(مطهري، ج24: ص217).

اگر شوق بيدار شود و خود اسلامي خود را کشف کند، در آن صورت حتي بمب اتمي هم از پس نيروي عظيم و اين توده، به پا خاسته بر نخواهد آمد . راه اين بيداري، آشنايي با تاريخ و فرهنگ و ايدئولوژي خودمان است»(مطهري، 1367: ص122).

نقش کتب استاد مطهري در بيداري اسلامي منطقه

مايه فکري تحولات عظيم بيداري اسلامي ازانگيزه هاي پاك و خالصانه اين متفکرين بزرگ گرفته شده است. امروزه کتاب هاي استاد شهيد مطهري به زبان هاي مختلف ترجمه و به اقصي نقاط جهان و تمامي مراکز فرهنگي ارسال شده است ، علاوه بر اين کتاب ها ،مي توان از کتاب هاي برجسته مرحوم علامه طباطبايي و مرحوم آيت ا صدر نيز به عنوان کتب نمونه در زمينه اسلام و تشيع نام برد به عنوان مثال کتاب هايي مانند نور و عافيت در رگ هاي فکري جهان جاري است و همه به اين کتاب ها استناد مي کنند . شهيد مطهري نياز روز جامعه را به خوبي و دقيق تشخيص مي داد و به عنوان مثال زماني براي کودکان کتاب مي نوشت و زماني نيز پاسخ مقالات ضد اسلامي را مي داد ، در زماني نيز با اين که استاد بزرگ حوزه بود ،حوزه را ترك کرد و مشغول تدريس در دانشگاه الهيات شد تا بتواند ارتباط ميان حوزه و دانشگاه را برقرار کند . کتاب هاي شهيد مطهري، صدر، امام خميني "ره" و مرحوم شهيد بهشتي از عوامل اصلي روشنگري براي آغاز انقلاب اسلامي ايران بوده است و اين کتاب ها نيازهاي فکري جهانيان را تامين کرده است و بالاترين خدمتي که به اسلام انجام گرفت خدمت اين متفکران بوده است(تسخيري، 1391).

حرکتهاي جهان اسلام از برخي کتابهاي استاد شهيد مرتضي مطهري الهام گرفته است. تلألو اين کتابها در جهان اسلام تأثير داشته و چنين نتيجه اي را رقم زده است(اسلامي، 1390).

الگوبودن بيداري اسلامي براي ساير انقلاب ها

الگوگيري ازساير انقلابها، نكته اي مهم براي جوامع بحران زده است. از نگاه شهيد مطهري اين بعد اهميتش از دو بعد ديگر كمتر نيست؛ چرا كه ممكن است جامعه اي احساس شخصيت كند و سياست را جزو دين خود بداند، ولي به دليل فضاي ناسالم و يا ترسها و دلهره ها موفق به بيداري و انقلاب نشود. اينجاست كه وجود يک الگوي موفق، مردم را به قيام و مبارزه برمي انگيزد. وقتي ببينند ملّتي راهي را با همه دشواري ها ادامه داده و در مقابل سختي ها جهاد نموده و موفّق بيرون آمده است، اين حركت را دلگرم كننده مي دانند و قدم در راه آن ملّت الگو مي گذارند.

وجود قيام‌هاي اسلامي به خوبي نشان داد كه افرادي همچون شهيد مطهري با آگاهي و اميدبخشي به مردم در قلم و بيانشان، همواره ترسيم راه درست براي مردم را در نظر داشته‌اند. اين از ويزگي‌هاي شهيد مطهري بوده كه قلم، زبان و بياني آينده‌نگر و اميدبخش براي جامعه را در پيش گرفته بود. چنانكه پس از حركت انقلابي مردمي ايران با رهبري امام(ره)، امروز هم به خوبي مي‌توان نقش تفكرات استاد مطهري را در بيداري جوامع اسلامي مشاهده كرد.

با تأثير اين قلم و تفكر، پررنگ شدن رنگ بيداري اسلامي برخي ملت‌ها همچون مصر، ليبي، تونس و… به نحوي است كه حتي شعارها، نمادها و حركت آنان در مسير انقلابي‌شان، جلوه‌اي اسلامي به خود گرفته و اين نتيجه همان هشدارهايي است كه فردي چون شهيد بزرگوار در آثارشان پيش‌بيني كرده‌ بود.اينكه آثار شهيد مطهري و افرادي اين چنين سرمايه‌اي برتر براي بيداري و بروز نهضت‌هاي اسلامي است، تفكر شهيد مطهري بهترين پشتوانه قيام مردمي عليه استكبار جهاني است. چنانكه پس از چندين سال، تازگي و زنده بودن خود را حفظ كرده و همه مي‌توانند با توجه به آن، معاني و خواسته‌هاي اسلام را درک كنند.

از خصوصيات علماي اسلام همين است كه آينده‌نگر بوده و به طور معمول پيش‌بيني آنها براي آينده بشريت است تا اين چنين به ترسيمي از واقعيت براي مردم بپردازند. با توجه به لزوم حفظ و ترويج تفكر شهيد مطهري در ميان مردم، اولين چيزي كه براي همه نياز است مسئله توحيد خواهد بود كه به مراتب و به خوبي در آثار شهيد مطهري روي آن كار شده و براين اساس براي خداشناسي چه منبعي بهتر از آثار و كتب اين شهيد بزرگوار. محوري چون استكبارستيزي، بارها در آثار شهيد تبيين و تفسير شده كه اين امر بايد مدنظر مسلمانان قرار گيرد و البته مي‌توان بيش از پيش ترويج آن را به سطوح علمي كشاند. همچنين اين قضيه از جمله مباحثي است كه امروزه بدان نياز بيشتري احساس مي‌شود.

شهيد مطهري معلم بزرگي است كه منادي بيداري اسلامي در قلوب ملت هاي مسلمان از جمله مردم ايران بود و به ضرس قاطع مي توان گفت بخش مهمي از نظام واره معرفت ديني در ايران بخصوص پس از پيروزي انقلاب

اسلامي مرهون و مديون تلاشهاي فكري و از خودگذشتگي‌هاي مستمر او در ترويج و تبليغ انديشه ناب اسلامي است. استاد شهيد مرتضي مطهري (ره) به عنوان ثمره يک عمر مجاهدت علمي بنيانگذار كبير انقلاب اسلامي(ره)، اسلام شناسي حاذق، ديده‌باني بصير، فيلسوفي خلاق و مبارزي در متن جامعه بود. امروز زمانه مطهري است كه امواج بيداري اسلامي چه در داخل و چه در خارج از كشور از شمال آفريقا تا سواحل مديترانه تا كشورهاي حاشيه خليج فارس را به لرزه درآورده است.

پيش بيني شهيد از ايجاد موج بيداري اسلامي در منطقه

بي‌شك انديشه‌هاي زلال نشأت گرفته از مباني ديني شهيد مطهري نقشي بسزايي در بيداري اسلامي و خيزش‌هاي ديني ملت‌هاي مظلوم منطقه خاورميانه كه اينك شاهد آنيم، داشته و دارد.

استاد مطهري با نگاه تيزبين خود كه گويا تحولات امروز جهان را پيش بيني مي نمايد، مي گويد: « من كم‌ كم باورم آمده كه اين انقلاب اسلامي به ايران محدود نمی‌ ماند، ميليونها جمعيت مسلمان را در بر خواهد گرفت و چه افتخاری برای ايران خواهد بود كه يک انقلابي اسلامی از ايران شروع شود و تمام كشورهای اسلامی را زير نفوذ خود بگيرد، كه خواهد گرفت»(مطهري، 1386، ج24: ص132).

شهيد مطهري بيش از ۳۰ سال قبل، وقوع نهضت‌هاي امروزي را در منطقه به دنبال انقلاب اسلامي ايران پيش‌بيني كرده بود: در كشورهاي آفريقايي نوبنياد و نيز در كشورهاي عربي تحت استعمار، اسلام به صورت ايدئولوژي نهضت و قيام محرومين درآمده است.

نتيجه

در طول تاريخ همواره افرادي بوده اند كه دغدغه بشري و سونوشت آنان در ذهن و روان آنها بوده است و همواره در به راه راست كسيدن بشريت در محدوده زندگي خود و حتي فراتر از آن تلاش هاي بسياري را مبذول داشته اند. در اين ميان جهان اسلام افراد بسيار شاخصي را در دامان خود پرورانده كه هميشه در برابر زورگويي و استبداد مقاومت نموده و نداي اسلام ناب را سر داده اند كه از اين افراد مي توان به شهيد مطهري و امام خميني(ره) اشاره داشت. استاد شهيد مطهري كليه تلاششان و دغدغه ايشان اسلام و زنده كردن اسلام ناب بوده است و در اين ميان از هيچگونه تلاشي غافل نمانده و نه تنها پيام خود را در ايران نگسترانيده، بلكه اين پيام را به كليه جهان با انتشار كتب خود و همچنين ترجمه آنها توسط دوستدارانش نيز گسترانيده است. ايشان عامل اصلي بيداري اسلامي و همچنين احساس هويت و ايستادگي در

برابر دشمنان و مستكبرين را بازگشت به خويشتن دانسته و اعتقاد داشتند كه بايد روح ايمان همراه با عمل و بازگشت به اصالت خويشتن و روح اسلام در آحاد جامعه ايجاد شده و زمانيكه چنين امري فراهم گرديد آنوقت جنبش و حركت نيز در سرتاسر جامعه و جهان ايجاد خواهد شد.

ايشان همچنين راز حيات و عامل اصلي ايجاد بيداري اسلامي و همچنين مقاوم بودن را اتحاد و همبستگي بين مسلمين دانسته و در اين ميان بسيار سخن ها بيان نموده اند و زمانيكه مسلمين متحد شدند و يكدل و يكصدا گرديدند آن زمان مي توانند بر كليه كيدهاي دشمن غلبه كرده و موج بيداري را تلالو بخشند. همچنين استاد با بينشي روشن و آگاهانه صحنه آينده جهان مسلمين را پيش بيني نموده و بيان داشتند كه دنيا در آينده به خصوص در بلوک مسلمين شاهد موج بيداري اسلامي مي باشد كه اين بيداري نشات گرفته از انقلاب اسلامي مي باشد. البته بايد بيان داشت كه ايجاد انقلاب اسلامي و اين موج بيداري اسلامي حاصل تلاش ها و روشنگري هاي اين استاد فرزانه بوده است.

پي نوشت

1. اسلامي، محسن، 1390، نقش آراي شهيدمطهري در بيداري اسلامي، پايگاه اطلاع رساني خوز نيوز، ارديبهشت.

2. تسخيري، محمد علي، 1391، متفكراني مانند شهيد مطهري ؛ يكي از عوامل بيداري اسلامي، خبرگزاري تقريب، ارديبهشت ماه.

3. تسخيري، محمدعلي، 1390، نقش آراي شهيد مطهري در بيداري اسلامي، پايگاه اطلاع رساني خوز نيوز، ارديبهشت.

4. قرآن كريم.

5. لاريجاني، علي، 1391، بيداري اسلامي، مهمترين خواسته شهيد مطهري، پورتال جامعه ي سياسي، ارديبهشت ماه.

6. مطهري، مرتضي، 1364، سيري در سيره نبوي استاد مرتضي مطهري، انتشارات صدرا، قم.

7. مطهري، مرتضي، 1367، پيرامون انقلاب اسلامي، انتشارات صدرا، قم.

8. مطهري، مرتضي، 1386، مجموعه آثاراستاد شهيد مطهرى، جلد 17، انتشارات صدرا، قم.

9. مطهري، مرتضي، 1386، مجموعه آثاراستاد شهيد مطهرى، جلد 20، انتشارات صدرا، قم.

10. مطهري، مرتضي، 1386، مجموعه آثاراستاد شهيد مطهرى، جلد 24، انتشارات صدرا، قم.